

۱۶ آذر؛ از دیروز تا امروز

هادی سجادی‌پور

قرار شده در مورد 16 آذر چیزی بنویسم، اما هر چه تلاش می‌کنم مطلبی به ذهنم نمی‌آید، گویی بار اول است که به گوشم می‌خورد. کمی به موضوع فکر می‌کنم، 16 آذر؛ روز دانشجو.

چرا؟!

چون 52 سال پیش در چنین روزی یعنی 16 آذر 32، سه دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران به نام‌های مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگنیا، بدست گارد شاه به شهادت رسیدند.

چرا؟!

چون آنان و دیگر دانشجویان دانشگاه تهران روز 14 آذر 32 در اعتراض به ورود «دنيس رایت» کاردار جدید انگلیس در تهران و سفر آتی «نیکسون» رییس جمهور ایالات متحده به ایران و همچنین مخالفت با اقدامات نوکرمابانه شاه، در دانشگاه تهران تظاهرات کرده بودند. 15 آذر هم این راهپیمایی را به خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران کشاندند و شعارهای ضد آمریکایی هم سر دادند.

فردای این روز هم (یعنی 16 آذر) از صبح علی‌الطووع گارد شاه در دانشگاه مستقر شد تا در آستانه سفر ارباب آمریکایی شاه، تظاهرات دانشجویان را سرکوب کند و با به گلوله بستن آنان لیاقت و شایستگی خود را نشان داده و از تکدر خاطر والاحضرت همایونی (!) و اربابشان جلوگیری کند.

چرا؟!

چون دانشجویان در مخالفت با منافع استعماری آمریکا در ایران تظاهرات کرده و منافع ایالات متحده را در خطر انداخته بودند و لیاقت شاه در حفظ این منافع بود.

منافع آمریکا؟!

یعنی آمریکا برای حفظ منافعش به کشته شدن دانشجویان راضی شده بود؟!

کمی فکر می‌کنم، اما به نظرم می‌رسد، انگار آمریکا در طول این نیم قرن سرش به سنگ خورده و تغییر رویه داده است. چون حالا همیشه دم از آزادی و دموکراسی می‌زند و از فعالیت‌های آزادی خواهانه و تلاش NGOها و به خصوص تشکل‌های دانشجویی برای گسترش زمینه‌های دموکراسی استقبال می‌کند.

باز هم «رای ول» به مرام آمریکا و دموکراسیش که به فکر مردم ستمدیده جهان است و می‌خواهد آزادی و دموکراسی را برای آنها به ارمغان ببرد.

پس چرا از حرکت‌های آزادی خواهانه فلسطینی‌ها حمایت نمی‌کند؟

چرا عراق و افغانستان را اشغال کرده؟

چرا به ایران زورگویی می‌کند؟...

دهها چرای دیگر از این نوع در ذهنم نقش می‌بندد. آمریکا از بعضی حرکت‌ها حمایت می‌کند و از بعضی‌ها نه! مثلا در همین ایران خودمان، گاهی اوقات، فعالیت‌هایی در دانشگاه‌ها انجام شده و مورد حمایت آمریکا قرار گرفته است ولی بسیاری از حرکات دانشجویی هم هست که آمریکا یا در مقابل آنها سکوت کرده یا آنها را محکوم کرده است.

پس چه تفاوتی بین این حرکات وجود دارد؟ آیا هر دوی آنها دانشجویی نبوده‌اند؟!

شاید هم مشکل چیز دیگری است.

اصلا بگذارید ویژگی‌های جنبش دانشجویی را مرور کنیم تا شاید علت این حمایت‌ها و در مقابل محکوم کردن‌ها برای ما روشن شود.

ویژگی‌های جنبش دانشجویی از 2 منظر قابل بررسی است. اول؛ آرمان‌گرایی جنبش دانشجویی و دیگری؛ عقلانیت آن.

دانشجو جوان است و فعال و پرانرژی و البته تحریک‌پذیر. این خصایص در کنار عدم تعلق خاطر اقتصادی و احساس رهایی از مسایل مادی زندگی باعث می‌شود تا دانشجو، آرمان‌گرا، عدالت‌خواه، آزادی‌طلب، شجاع و بی‌باک، پرسشگر و نقاد و در عین حال دارای خلوص و بی‌پیرایه باشد. اما این روحیه لطیف در عین بالندگی در معرض انحراف نیز قرار دارد.

ریشه اصلی خصایص دانشجویان، احساسات پاک آنهاست، اما این احساسات پاک به خاطر غیر عمیق بودن می‌تواند دانشجو را در ورطه افراط و تفریط گرفتار نماید و یا به سوءاستفاده‌کنندگان سیاسی این امکان را بدهد که از دانشجو و فعالیت‌های او در جهت نیل به اهداف خودشان بهره‌برداری نمایند. اینجاست که عقلانیت دانشجو نقشی جدی و تعیین‌کننده به خود می‌گیرد. و به وی این اجازه را می‌دهد که از تبعیت و دنباله‌روی صرف - که آفت بسیاری از حرکات‌ها است - بر حذر مانده و به آرمان‌گرایی معقول که شاخصه جنبش دانشجویی پویاست، ملتزم باشد.

حال که ویژگی‌های جنبش دانشجویی اصیل مشخص شد بهتر می‌توان علل رفتارهای دوگانه یا چندگانه ایالات متحده را درک کرد. اگر جنبش دانشجویی در کسوت اصلی خود که همانا آرمان‌گرایی عقلانی و نقد سازنده است، قرار داشته باشد، آمریکا و دول غربی هیچ‌گاه از آن حمایت نخواهد کرد، ولی اگر در راستای منافع آنها قدم بردارد، حامی بی‌قید و شرطش خواهند بود.

به نظر می‌رسد به طور کلی و فراتر از جنبش‌های دانشجویی، آنچه نقشی تعیین‌کننده در این حمایت‌ها و محکوم کردن‌ها دارد، منافع آمریکا است نه نیاز دیگر کشورها به دموکراسی و یا آزادی.

هرجا حرکتی تأمین‌کننده منافع آمریکا باشد از آن حمایت می‌کند و هر جا نباشد آن را محکوم خواهد کرد.

نکته قابل توجه این که جنبش دانشجویی ایرانی که تولد خود را با تکیه بر مبارزه با آمریکا جشن گرفته است هرگز نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع آمریکا باشد. حال اگر حرکتی که نام دانشجویی را بر خود نهاده است، مورد حمایت آمریکا واقع شود یا باید در این نتیجه‌گیری شك کرد و یا احتمالا در ماهیت دانشجویی آن حرکت!

البته نظر می‌رسد در مقام استدلال و منطق، مورد دوم قابلیت پذیرش بیشتری خواهد داشت و این نوع حرکت‌ها احتمالا ویژگی‌های يك حرکت دانشجویی را ندارند و بالاخص در بعد عقلانیت، با چالش‌های جدی مواجه هستند که نمونه بارز آن تبعیت و دنباله‌روی حرف آنان از سیاسیونی است که هدفی جز سوءاستفاده، از نزدیکی به این حرکت‌ها برایشان متصور نیست.

پس چنان که ذکر شد این نوع حرکت‌ها به این دلیل که در بعد عقلانیت و برخورداری از بصیرت دارای چالش جدی هستند نمی‌توان بر آنها نام حرکت دانشجویی نهاد و بالطبع آنان نیز نمی‌توانند داعیه‌دار جنبش دانشجویی باشند.

شناسه: 12141

شریف نیوز؛ پایگاه خبری - تحلیلی دانشجویان ایران

com info at sharifnews dot